

آینده سیاسی سوریه و منافع استراتژیک ایران

ناصر ناجی^۱، عبدالرضا فرجی راد^۲

۱- دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

۲- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

از زمانی که بحران سوریه در ژانویه سال ۲۰۱۱ آغاز شده است، گمانه‌زنی‌های فراوانی در ارتباط با تحولات و بحران سوریه از سوی کارشناسان و سیاستمداران ارائه شده است. درحالی‌که که عناصر خارجی (آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی) بر شدت ناآرامی‌ها در این کشور می‌افزایند، جمهوری اسلامی ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگرینسته و از سوی دیگر با درخواست‌های اصلاحات مردمی و در چهارچوب حاکمیت ملی تاجایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم صهیونیستی نشود حمایت می‌کند.

مهمترین و شاید تنها هم پیمان منطقه‌ای سوریه در خاورمیانه ایران است و برای آنکه بتواند خط مقدم مقاومت در مقابل اسرائیل را حفظ کرده و جنبش‌های مقاومت را تقویت و حمایت نماید به همراهی حکومت سوریه نیاز دارد به همین دلیل سرنگون شدن حکومت بشاراسد برخلاف مصالح ایدئولوژیکی حکومت ایران است. در واقع سقوط دولت سوریه نوک پیکان مقاومت ایران را به عقب خواهد کشید و موقعیت منطقه‌ای ایران را تضعیف خواهد کرد. به همین دلیل راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال مطالبات معارضان سوریه، تاکید بر بازگشت آرامش به این کشور، پشتیبانی قوی‌تر از دولت جدید بشاراسد و عدم مداخله خارجی است. زیرا ضرورت‌های سیاسی ایران در سوریه مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تاثیر اهمیت نقش این کشور در معادلات سیاسی امنیتی منطقه بویژه در حوزه روابط با حزب اله، حماس و همچنین روند صلح اعراب بارژیم صهیونیستی است.

کلید واژه‌ها: استراتژی، ژئوپلیتیک، آینده نگری، سوریه، سیاست خارجی

مقدمه

سرعت فزاینده تحولات در منطقه خاورمیانه و انتقال این منطقه به کانون محوری مسایل بین الملل، از جمله پدیده‌های مهم قرن بیست و یکم می‌باشد در سال‌های اخیر ژئوپلیتیک این منطقه با چالش‌های داخلی و خارجی شدیدی روبرو شده است در این میان سوریه کشوری است که از ژئوپلیتیک قوی و در عین حال پیچیده‌ای برخوردار

بوده و این مسئله جایگاهی راهبردی به این کشور در منطقه خاورمیانه بخشیده است. واقع شدن این کشور در نقطه اتصال سه قاره، آسیا، اروپا و آفریقا، سوریه را در میان اروپای صنعتی و خاورمیانه قرار داده است.

بر این اساس اهمیت سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت است از: ۱- مرکزیت سوریه به لحاظ راهبردی در خاورمیانه ۲- پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل ۳- احساس خطر از ناحیه اسلام سیاسی و بنیادگرایی در کشورهای منطقه و روند روز افزون آن. (آجرلو، ۱۳۹۰، ص ۵۵)

باگذشت ماه‌ها از آغاز درگیری‌ها در سوریه و حرکت سینوسی بحران بر روی طیفی از تقویت و تضعیف، تاکنون هیچیک از بازیگران قدره یکسره کردن قائله مذکور و بازگشت آرامش برفضای بحرانی سوریه نگردیده‌اند. علی‌رغم مداخله گسترده نیروهای خارجی در بحران مذکور و تشکیل ائتلافی گسترده در منطقه علیه بشاراسد، مخالفان توفیق چندانی در اجرای تجارب کشورهای نظیر لیبی در سوریه نداشته‌اند. بدون تردید مخالفت بین‌المللی روسیه و چین و عملکرد هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، نقش مهمی در شکست ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ضد سوریه ایفا نموده است. اما مهمتر از همه موارد فوق عدم مشارکت بخش قابل توجهی از جامعه سوریه در بحران مذکور است. بانگاهی به اولین روزها و هفته‌های شروع اعتراضات در سوریه، شاهد اعتراضات مسالمت‌آمیز و غالباً سیاسی احزاب و گروه‌های اپوزیسیون در سوریه بودیم که برای دستیابی به اهداف خود، اغلب در شهرهای دارای پتانسیل اعتراض، مردم را دعوت به برگزاری اعتراضات مسالمت‌آمیز می‌کردند. اما بدنبال ناکامی آنها و برده شدن اعتراضات به فاز نظامی، به یکباره جنبش اعتراضی بخش قابل توجهی از حامیان خود را از دست داد و شاید بهتر است که اینگونه بگوئیم که پس از فروکش کردن اعتراضات سیاسی، معارضان بومی و غیربومی، به ناچار حرکت در مسیر درگیری مسلحانه را آغاز کردند. بدون تردید به آشوب کشیدن سوریه در شرایطی بوقوع پیوست که جنبش‌های بیداری منطقه حرکت توفنده‌ای را علیه استبداد و وابستگی سیاسی کشورهایشان به غرب آغاز کرده بودند که در صورت منحرف نکردن پتانسیل ضدآمریکایی و ضد اسرائیلی آن به سوی اهدافی متعارض در جبهه مقاومت، سرنوشت شومی را برای قدرت‌های مداخله جویی غربی رقم می‌زد.

از منظر جمهوری اسلامی ایران پیوند امنیت منطقه به امنیت بین‌المللی و توجیه حمله پیشگیرانه برای حفظ دموکراسی یا مبارزه با تروریسم و . . . دست قدرت‌های غربی را برای تفسیر گسترده‌تر در بهره‌وری از زور برای تامین منافع خود در بدبینانه‌ترین حالت و حفظ ارزش‌های غربی و در خوش بینانه‌ترین حالت بازمی‌گذارد. بدین ترتیب منافع جمهوری اسلامی در بحران سوریه به چالش کشیده شده است و ممکن است نتایج تحولات این کشور حتی باتوجه به پیروزی مجدد اسد در انتخابات اخیر، موجب تضعیف یا تقویت وجهه بین‌المللی ایران گردد.

مبانی نظری:

واژه استراتژی که اکنون در زبان فارسی از آن به «راهبرد» تعبیر می‌شود مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر حوزه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است. بر همین اساس در گذشته وقتی سیاست تبدیل به شیوه‌های نظامی شد استراتژی لقب یافت.

لیدل هارت استراتژی راجین بیان می‌کند: "استراتژی هنرتوزیع وبه کارگیری و سایل و تجهیزات نظامی برای نیل به اهداف سیاسی است." (قادری، ۱۳۷۰، ص ۵۹)

هدف‌هایی که یک ملت یا گروهی ازملت‌ها درنظر می‌گیرند، باید درسه حوزه سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و سیاست نظامی سازگار و هماهنگ باشد بر این اساس واژه استراتژی اگر مفهوم عینی و مکانی بیابد کلمه استراتژیک را تولید می‌کند. (عزتی، ۱۳۷۳، ص ۶)

در این بحث ژئوپلیتیک به تحلیل نفوذ عوامل جغرافیای بر روابط قدرت در سیاست بین‌الملل توجه دارد و چشم اندازهای جغرافیایی مرتبط با امور سیاسی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. ژئوپلیتیک علاوه بر بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست یک کشور، به تفسیر وقایع پرداخته و همچنین تحولات آینده را نیز تحلیل و گمانه زنی می‌کند. ساموئل بی کوهن معتقد است که ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط جغرافیایی میان فضا و سیاست است. (17 Cohen, 1987)

بررسی سیاست خارجی کشورها، یکی از مهمترین مباحث در رشته روابط بین الملل است. سیاست خارجی یک کشور نه تنها از عوامل خارجی که از محیط داخلی نیز اثر می‌پذیرد. اصولاً روند تحولات سیاست خارجی درجهان به سوی واقع‌گرایی پیش می‌رود، یکی ازعوامل واقع‌گرایی درسیاست خارجی توجه به عوامل ژئوپلیتیک است که مجموعه‌ای نسبتاً وسیع ازمشکلات جهان راتحت پوشش قرار می‌دهد. (قوام، ۱۳۷۰، ص ۱۲)

تحولات بین‌المللی چه درسطح ساختاری و چه در سطح کارگزاری هم فرصت‌هایی رابرای سیاست خارجی ایران خلق می‌کند و هم تهدیدها ومحدودیت‌هایی را پدید می‌آورد. به گونه ای که میزان موفقیت سیاست خارجی ایران بستگی به آینده نگری دقیق وچگونگی استفاده بهینه ازاین فرصت‌ها وغلبه براین چالش‌ها دارد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳)

مواد و روش تحقیق

جهت دستیابی به اهداف مورد نظر دراین پژوهش، ازروش توصیفی، تحلیلی بهره گرفته شده است. مطالب مقاله برگرفته شده از: کتاب‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها، نشریات ارزشمند و معتبر، منابع اینترنتی و نیز اظهار نظر صاحب‌نظران در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی می‌باشد که مورد نقد و بررسی و سپس تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است.

نگاهی به سیر تحولات تاریخی سوریه:

سوریه کشوری است باچهره طبیعی متفاوت که درشرق مدیترانه واقع شده و ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. سوریه ازسرزمین‌های باستانی آسیا و خاورمیانه است که ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد، مسکونی بوده و در سه هزار سال قبل از آن تمدن درخشانی داشته است. درواقع این کشور، کبیر بلاد الشام بودکه فلسطین، لبنان و اردن راشامل می‌شد. براین اساس گفته‌اند: سوریه بخشی ازوطن عربی بوده و مردم آن بخشی از ملت عرب هستند. ملتی که برای وحدت کامل عربی تلاش می‌کنند (شاملویی، ۱۳۶۱، ص ۹)

در هزاره سوم قبل از میلاد قوم سامی آموری در این سرزمین ساکن و حکومتی در آن تشکیل دادند که تا سال ۱۷۰۰ قبل از میلاد دوام آورد. دولت روم به مدت چهار قرن سوریه را در اختیار داشت و با تجزیه آن به دو بخش شرقی و غربی سوریه زوقلمرو امپراطوری روم شرقی بیزانس گردید. پس از بنی امیه، ترکان سلجوقی بر این سرزمین حکومت کردند.

در سال ۱۵۱۶ میلادی سوریه به دست سلطان سلیم اول سقوط کرد و به مدت چهار قرن جزو قلمرو دولت عثمانی قرار گرفت. پس از اضمحلال این ابرقدرت مسلمان، سوریه جزو مستعمرات فرانسه قلمداد گردید. در سال ۱۹۴۵ میلادی پس از یکسری مبارزات خونین مردم، سوریه به استقلال دست یافت. (معجوب و یآوری، ۱۳۶۲، ص ۱۷)

پس از استقلال، سوریه کودتاهای متعددی را نظاره گر بود و به ترتیب گروه‌های ناسیونالیستی، نیروهای نظامی، جناح‌های چپ و راست حزب بعث، مدتی قدرت را به دست گرفتند. سوریه طی دو جنگ با رژیم اسرائیل شکست خورد و بخش‌هایی از کشورش را از دست داد. حضور سوریه در لبنان و فلسطین بر اهمیت استراتژیک سوریه در منطقه افزوده است و لبنان برای سوریه حکم منطقه‌ای را دارد که دشمنان سوریه به هدف ضربه زدن به منافع منطقه‌ای و بین‌المللی دمشق یا به شکست و داشتن هر گونه طرح و برنامه‌ریزی سیاسی و نظامی دمشق از آن طریق اقدام خواهند کرد. از سال ۱۹۷۰ حافظ اسد که از جناح میانه رو حزب بعث بود، با کودتایی روی کار آمد و در سال ۱۹۷۱ پس از انتخاب، رئیس جمهور سوریه شد. پس از حافظ اسد، بشار اسد به قدرت رسید. امروز وی از سال ۲۰۱۱ با موجی عظیم از ناآرامی‌های سیاسی و اقتصادی روبروست (عزتی، ۱۳۷۸، ص ۸۷).

ریشه‌های بحران سوریه:

حرکت‌های اعتراض آمیز در سوریه از اوایل سال ۲۰۱۱ آغاز شد این اعتراضات ابتدا محدود به درخواست‌های صنفی بود. اما تحولات اخیر در سوریه بدون تردید سخت‌ترین چالش داخلی نظام بشار اسد تاکنون بوده است. این تحولات نه تنها برای بشار اسد و نظام حاکم برسوریه غیرمنتظره بوده، بلکه بسیاری از دولت‌های منطقه از جمله دوستان سوریه را هم در موضع‌گیری و نوع برخورد با این تحولات دچار تعارض و سردرگمی کرده است. البته این امر به نقش مهم منطقه‌ای سوریه و اهمیت بازیگری این کشور بر تحولات منطقه از جمله مباحث مربوط به فلسطین، مقاومت، مذاکرات سازش و دیگر مسائل منطقه‌ای برمی‌گردد (کیابی، ۱۳۹۱، ص ۲۶)

درخواست‌های معترضین و گروه‌های مخالف مسلح سوریه از نظر محتوا و عمل با دیگر کشورهای عرب منطقه، تفاوت‌های خاصی دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- ۱- فراگیر نبودن اعتراضات در این کشور
- ۲- برخلاف دیگر انقلاب‌های عربی، خواسته‌های معترضین در سوریه در حمایت از نظام سلطه است.
- ۳- مخالفین دولت سوریه از همان ابتدا مورد حمایت شدید رسانه‌های غربی قرار گرفتند و با ایجاد و ارائه اخبار کذب سعی نمودند با تحریک احساسات مردم زمینه فراگیر شدن اعتراضات را فراهم سازند.

۴- سوریه همواره در خط مقدم گروه‌های مقاومت از جمله فلسطین و لبنان قرار داشته و تنها کشور عربی حامی حاکمیت فلسطین و لبنان در مقابل زیاده خواهی غرب بالاخص رژیم صهیونیستی بوده است. (محمدزاده، ۱۳۹۰، ص ۱۶)

تاکنون سوریه همواره عامل ثبات در منطقه محسوب می‌شده و برای ایفای این نقش ثبات آفرین در تحولات منطقه مورد توجه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. بنابراین بخشی از این سردرگمی در اتخاذ مواضع پس از تحولات اخیر در سوریه طبیعی است. اما نکته مهمی که نباید فراموش شود این است که تحولات در سوریه بخشی از جریان تحولات در منطقه و موج بیداری مردمی است که در شمال آفریقا شروع شد و خواسته یا ناخواسته به سوریه هم رسید. بدون شک در بحران سوریه عوامل داخلی و خارجی متعددی نقش دارند و زمینه‌های این عوامل از دهه‌های پیش آغاز شده و امروز ظهور یافته است.

عوامل داخلی:

الف) رکود سیاسی: نظام تک حزبی سوریه در زمره نظام‌های اقتدارگرا محسوب می‌شود و در این نظام‌ها به دلیل عدم مشروعیت کافی در میان اکثریت مردم، در اولین فرصتی که بدست می‌آید، سعی در تغییر نظام برمی‌آیند و در این فرصت برای مردم سوریه به دلایل مختلف از لحاظ فکری ایجاد شده است. فرض بر این است که بشاراسد نماینده علوی‌ها، دروزی‌ها، اسماعیلیه‌ها است و این در حالی است که اکثریت جامعه سوریه، اهل سنت هستند. اما در این اعتراضات، علوی‌ها هم در کنار اهل سنت از جمله معارضین هستند و نیز در کنار برخی از علوی‌ها، گروه‌های دیگری هم از دولت بشاراسد حمایت می‌کنند (روابط فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱۱)

جریان تحول خواهی سوریه از یک طرف جدی و تهدید کننده نظام این کشور است و به دلیل فضای نیم قرن اختناق داخلی و نظام تک حزبی غیرمشارکتی و انباشته شدن مطالبات مردمی در درون شرایط شکننده ای را برای حکومت به وجود آورده است. به ویژه این که بر اساس اخبار موجود افراد بسیار زیادی هم کشته شده اند و این مسئله شرایط پیچیده‌ای را در داخل ایجاد کرده است. اما از طرف دیگر وضعیت سوریه نباید سرنوشت صدام و قذافی را پیدا کند. به این دلیل که نقش سوریه و ثبات در این کشور بر محور مهم مقاومت در منطقه تاثیر بسیار زیادی دارد. حتی اگر معتقد باشیم که بخشی از عوامل تحول اخیر در سوریه به دلیل تحریک خارجی است، آنگونه که برخی بر آن تاکید می‌کنند، نظام سوریه باید برای خنثی کردن این توطئه خارجی و شکست دادن این توطئه، باید در نوع برخورد خود با مردم تجدید نظر کند. سوریه باید از شیوه سنتی سرکوب، همانند روشی که صدام به کاربرد یا آن چه در لیبی فعلی شاهد آن هستیم، خودداری کند و از آن برحذر باشد و به طور جدی به خواسته‌های مردم توجه داشته باشد. البته این امرن یازمند دادن هزینه‌هایی هم هست. (حافظ نیا، کاوندی کاتب، ۱۳۸۹، ص ۶۲)

ب) رکود اقتصادی: سوریه به لحاظ اقتصادی یکی از کشورهای ضعیف منطقه است. برعکس اکثر کشورهای عرب منطقه که به درآمد هنگفت نفتی متکی هستند، سوریه درآمد نفتی ندارد. سوریه در دوره بشاراسد چرخش آشکاری از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد آزاد کرد، اما این چرخش با ظهور طبقه جدید متوسط در این کشور همراه بود که

عمدتاً به ارکان و نهادها و شخصیت‌های حکومتی اختصاص پیدا کرد. در نتیجه، مساله فساد و رانت‌خواری به سرعت در این کشور دامن گستراند. البته با توجه به وعده‌هایی که برای رفاه مردم داده شده بود و علی‌رغم محقق شدن برخی از آنها، بحران اقتصادی جهان نیز بر سوریه تاثیر گذاشت (موسوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳)

بشاراسد اصلاحاتی را برای بهبود وضعیت داخلی اعلام کرد که همین امر در شرایط کنونی نشان از جدی بودن وضعیت بحرانی داخل داشت. اما استمرار اعتراضات و گسترده شدن آن و بالا رفتن آمار کشته شدگان، نشان می‌دهد که بحران عمیق و ریشه‌دار است و اصلاحات نتوانسته موثر واقع شود. از سوی دیگر استمرار بحران در سوریه موجب شده است که مخالفان بشاراسد فرصت بیشتری را برای سازماندهی پیدا کنند و شرایط به تدریج روبه پیچیده‌تر شدن حرکت کند. به نظر می‌رسد وضعیت فعلی در سوریه بیشتر از دو راه حل نداشته باشد؛ یکی گزینه اعمال اصلاحات جدی و برقراری ارتباط نظام با مردم، کم کردن فاصله‌ها و جلب اعتماد افکار عمومی است و دیگری گزینه استمرار سرکوب و به کارگیری قدرت ارتش است که موجب افزایش نارضایتی‌ها خواهد شد. البته عاقبت شیوه دوم برهمگان روشن است و راه به جایی نخواهد برد. (حافظ نیا، کاوندی، ۱۳۸۹، ص ۳۴)

ج) فساد مالی و اداری: فساد مالی و اداری از درجه مشروعیت و اثربخشی دولت‌ها کم می‌کند، تا آنجا که می‌تواند دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را با بحران جدی روبرو سازد. دستگاه اداری سوریه، دارای فساد اداری است و رشوه در آن به شدت رواج دارد. (کیوان پناه، ۱۳۸۸، ص ۲۱)

عوامل خارجی:

بازیگران خارجی مهمترین عامل دامن زدن به تنش‌های فرقه‌ای در سوریه به شمار می‌روند. عربستان سعودی و متحدان خلیج فارس اش اقدام به اعزام سلفی‌های رادیکال به کشورهای بحرین و سوریه کردند تا نه تنها ایران را تضعیف کنند بلکه جنبش‌های بیداری که سلطه مطلق آنها را تهدید می‌کند سست و مختل کنند. در سوریه حتی حامیان سنی اسد از آتش انتقام شورشیان هم مسلک خود در امان نیستند تعداد قابل توجهی از افسران ارتش سنی هستند آنها همواره در درون حزب بعث نقش داشته‌اند خطر این است که بخش‌هایی از اپوزیسیون ضد بشاراسد علیه هم قطاران سنی خود بدلیل نقش آنها در ارتش و نهادهای امنیتی اقدام کنند. بسیاری از مردم از آن وحشت دارند که یک دولت افراطی سنی روی کار آید و موجی از کشتار و یا جابجایی افراطی اقلیت‌ها ایجاد شود. صحنه‌هایی که اعدام افراد متهم به حمایت از دولت توسط جنگجویان به اصطلاح ارتش آزاد را نشان می‌دهد ماهیت حقیقی شورشیان را نیز نشان می‌دهد در واقع ناآرامی در سوریه وارد فاز جدید و خونینی شده که بیشتر رنگ فرقه‌ای به خود گرفته است مخالفان اسد تنها در یک هدف متحد هستند و آن سرنگونی حکومت است و پس از دستیابی به این هدف مسائل و مشکلات بروز خواهد کرد. به رغم اتحاد کم سابقه بازیگران غربی و دیکتاتورهای عرب در حمایت از مخالفان مسلح، حکومت اسد همچنان پابرجاست. نیروهای نظامی و امنیتی سوریه هنوز به اسد وفادار هستند و بر اساس آخرین برآوردها حداقل نیمی از مردم این کشور ادامه حکومت فعلی را بهتر از هر گزینه دیگری می‌دانند. (کیایی، ۱۳۹۱، ص ۲۸)

جریان تحول خواهی سوریه از یک طرف جدی و تهدید کننده نظام این کشور است و به دلیل فضای نیم قرن اختناق داخلی و نظام تک حزبی غیرمشارکتی و انباشته شدن مطالبات مردمی در درون شرایط شکننده‌ای را برای حکومت به وجود آورده است. به ویژه این که براساس اخبار موجود افراد بسیار زیادی هم کشته شده‌اند و این مسئله شرایط پیچیده‌ای را در داخل ایجاد کرده است. اما از طرف دیگر وضعیت سوریه نباید سرنوشت صدام و قذافی را پیدا کند. به این دلیل که نقش سوریه و ثبات در این کشور بر محور مهم مقاومت در منطقه تاثیر بسیار زیادی دارد. حتی اگر معتقد باشیم که بخشی از عوامل تحول اخیر در سوریه به دلیل تحریک خارجی است، آنگونه که برخی بر آن تاکید می‌کنند، نظام سوریه باید برای ختنی کردن این توطئه خارجی و شکست دادن این توطئه، باید در نوع برخورد خود با مردم تجدید نظر کند. سوریه باید از شیوه سنتی سرکوب، خودداری کند و از آن برحذر باشد و به طور جدی به خواسته‌های مردم توجه داشته باشد. البته این امر نیازمند دادن هزینه‌هایی هم هست.

روابط دیپلماتیک ایران و سوریه:

سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و درست در زمانی که دیگر کشورهای اسلامی سیاست دوگانه‌ای اتخاذ کرده بودند و از ترس تاثیر انقلاب اسلامی ایران به سرزمین‌هایشان به تکاپو افتاده بودند، از جمله معذور کشورهای اسلامی بود که نه تنها جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت بلکه ایران را نیز مورد حمایت قرار داد. در این میان چیزی که سوریه را در صف ایران قرار داد، حمایت ایران از ملت مظلوم فلسطین و مخالفت با رژیم صهیونیستی بود. سوریه از همان ابتدای جنگ در جبهه موافق ایران و مخالف صدام حسین قرار گرفت. (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹)

سوریه مهمترین متحد عربی ایران است، به گونه‌ای که در بسیاری از مسائل داخلی و خارجی با یکدیگر به تبادل نظر پرداخته و به مواضع مشترکی دست یافته‌اند. مناسبات دو جانبه ایران و سوریه ابعاد گسترده‌ای دارد. مبادلات تجاری، احداث کارخانه و نمایندگی‌های ایران خودرو و سایپا دوشرکت خودروسازی ایران در سوریه، احداث کارخانه تراکتورسازی و پروژه‌هایی دیگر از جمله کارخانه سیمان، کارخانه بازیافت، تصفیه خانه‌هایی آب، همکاری در بخش بنادر و غیره از طرح های اقتصادی دو کشور طی دوره مطالعاتی است. (حافظ نیا، کاوندی، ۱۳۸۹، ص ۱۸)

در مناسبات سیاسی بیشترین دیدار سران ایران و کشورهای عربی در این دوره با مقامات سوری شکل گرفته و امضای قراردادهای همکاری در بخش‌های امنیتی، دفاعی، سیاسی و تاکید برگسترش مناسبات از سوی هر دو کشور صورت گرفته است. خبرهای مربوط به مناسبات فرهنگی و اجتماعی ایران و سوریه نیز گوناگون بوده است از جمله برگزاری هفته های فرهنگی ایران در سوریه، برگزاری دوره‌های آموزش زبان فارسی، همکاری در بخش گردشگری و زیارتی، توافق نامه‌های آموزشی و دانشگاهی همکاری‌ها در بخش‌های مختلف. (<http://www.farsnews.com>)

علاوه بر این در زمینه نظامی ایران و سوریه در سال ۲۰۰۶ اقدام به امضای یک تفاهم نامه دو جانبه کردند که برپایه آن همکاری‌های نظامی دریایی این دو کشور در دریای مدیترانه گسترش می‌یافت. پس از دست دادن کنترل کانال سوئز توسط حکومت مبارک بود که دو ناو جنگی ایرانی موفق شدند در بندر لاذقیه سوریه پهلو گرفتند. اسرائیل مدعی

شده بود این ناوها حامل موشک‌های پیشرفته برای تجهیز حزب‌الله لبنان و دیگر گروه‌های مسلح بوده‌اند (97 . alalam.ir/news/2006).

ایران به عنوان عقبه حزب الله و حامی معنوی باید با هوشیاری و در عین حال عدم دخالت آشکار در مناقشه که هدف اصلی اسرائیل است، از یکجانبه‌گرایی به شدت بپرهیزد و در نقش بازیگری دیپلماتیک به شتاب جامعه جهانی برای ورود به مسئله افزایش دهد، چرا که اسرائیل در پی آن است تا قبل از اقدامات سازمان‌های بین‌المللی، به موفقیت‌هایی دست یابد. در واقع سوریه همچنان به عنوان سرپل ارتباط برای ایران در آن منطقه بویژه لبنان نقش مهمی ایفا کرد و تنها دولت عرب و اسلامی است که روابط حسنه در تمام دوره سی ساله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با ایران داشته است. (معاونت فرهنگی سپاه، ۱۳۸۷، ص ۳۴)

حافظ اسد در قبال بسیاری از مسائل مربوط به جهان عرب بعضاً خط مشی ناسیونالیستی به کار می‌گرفت، چنانکه در تمام قطعنامه‌های اتحادیه عرب علیه ایران درباره جزایر سه گانه، اسد به نفع اعراب رأی داد و موضع‌گیری کرد. در این زمان ایران به بازیگری فعال در خاورمیانه مبدل گشته بود و با ترسیم سیاست‌های خارجی چند مرحله‌ای سعی در بهبود جایگاه خود داشت و بسیار به اروپا نزدیک شده بود. از طرفی حزب الله لبنان نیز که با الگوگیری و خط‌مشی قرار دادن انقلاب اسلامی ایران توانسته بود کاری را که دولت‌های عربی نتوانستند در نیم قرن اخیر محقق کنند به تنهایی در جنوب لبنان انجام دهد. در ضلع دیگر مثلث، بشاراسد رهبری سوریه را در دست گرفته بود و در پیروی از سیاست‌های پدرش، روابط حسنه‌ای با ایران داشت. از طرفی سیاست خارجی سوریه با روی کار آمدن بشاراسد شکلی تازه‌ای نیز به خود گرفت بود و متناسب با شرایط روز منطقه شد. در این شرایط اگرچه با سرنگونی طالبان و رژیم صدام توسط امریکا و متحدانش و در پی آن وضعیت خاورمیانه به دلیل تغییر رژیم‌ها، اعراب را در حالتی کاملاً منفعلانه قرار داده و ناسیونالیسم عربی کاملاً رنگ باخته بود، اما ایران با استفاده بهینه از شرایط موجود و فرصت‌سازی از فضای ایجاد شده بخوبی بهره گرفت و پس از تثبیت نقش خود در دولت‌های جدید افغانستان و عراق، عامل ایجاد مثلث مقاومت به قاعده خود و اضلاع سوریه و لبنان در خاورمیانه شد.

تا قبل از بحران سوریه، آن چه در تحولات شمال آفریقا به ویژه در تونس، مصر، لیبی و بعد هم در یمن و بحرین اتفاق می‌افتاد به سود دیدگاه جمهوری اسلامی پیش می‌رفت و خیزش‌ها همواره به فال نیک گرفته می‌شد. اما با ورود تحولات مردمی به سوریه، به نظر می‌رسد مهره‌های شطرنج به هم خورده است. در سال‌های اخیر ایران از همان آغاز بحران، با اعلام موضع خود در چارچوب حمایت از ملت و کشور سوریه از هیچ تلاشی برای حل این بحران دریغ نکرد. ایران به دلیل نزدیک بودن به سوریه در ایجاد آرامش در این کشور تأثیرگذار است و با توجه به رابطه‌ای که ایران با دولت سوریه دارد می‌تواند نقش اثرگذاری داشته باشد. تنها راه برون رفت از معضل و بحران سوریه اجرای طرح ایران (۶ ماده‌ای) است، که در آن برخورد نیروهای نظامی غربی و عربی از سوریه و جلوگیری از ارسال سلاح به سوریه برای حل بحران این کشور تأکید شده است (محسنی ثانی، ۱۳۹۲، ص ۲۹)

تا کنون ایران ثبات سوریه را در حفظ حاکمیت بشاراسد جستجو کرده و معتقد بوده که در فضای بحران زده و ناامنی‌های گسترده سیاسی و اجتماعی نمی‌توان به اصلاحات و تحقق مطالبات مدنی امید بست. رئیس جمهور ایران آقای حسن روحانی، بر اصول کلی سیاست ایران در سوریه مبنی بر مکانیزم گفتگو و مذاکره از سوی تمام گروه‌های

سیاسی به عنوان راه حل منطقی صحنه گذاشت و مخالفت خویش را با دخالت خارجی و اقدامات تروریستی اعلام داشت. ایشان در کنفرانس خبری خود به درستی بر نکته مهمی تاکید کرد و آن اینکه تعیین سرنوشت سیاسی سوریه باید به دست خود مردم سوریه انجام گیرد. در هر صورت بحث سوریه و چگونگی تعیین سرنوشت سیاسی آن در آینده امر حیاتی و به نوعی با امنیت ملی ایران نیز گره خورده است. از اینرو تحول بنیادی در موضوع سوریه در کوتاه مدت یک نوع آرمانگرایی است. سوریه به جز روابط دوجانبه استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران، سال‌های زیادی نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب را هم به عهده داشته است. پیچیدگی صحنه سوریه باعث شده است که ما در موضع‌گیری‌های رسمی خود درباره سوریه شاهد نوعی تعارض باشیم. نرمنشی که به نظر می‌رسد اخیراً در حال ایجاد است و در قالب توصیه‌هایی به نظام سوریه و فشار اسد طرح می‌شود، ناشی از همین پیچیدگی‌ها است. موضع‌گیری اخیر ایران مبنی بر این که باید خواسته‌های مردم جدی تلقی شود و گرنه می‌تواند نه تنها برای اسد بلکه برای محور مقاومت تهدیدکننده باشد، یکی از مواردی است که به نظر می‌رسد کاملاً مفید و ضروری است و باید در دستور کار نهادهای مربوطه در ایران قرار گیرد. (مطهرنیا، فرارو، ۱۳۹۲)

جایگاه سوریه در سیاست خارجی ایران:

سیاست جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بر پایه منافع ملت‌های مظلوم و درک درست از تحولات و اقدام قاطع در برابر هر تجاوز و اشغالگری شکل می‌گیرد. در میان کشورهای عرب منطقه سوریه تنها کشوری است که متحد استراتژیک ایران محسوب می‌شود و در سیاست خارجی ایران جایگاه بسیار رفیعی دارد و بر این اساس بحران این کشور، تا زمانی که متحد استراتژیک ایران است، بحران ایران محسوب می‌شود. اهمیت این مسئله آن قدر مهم است که نظام با همه نهادهای موثر در تصمیم‌گیری در چارچوب ساختارهای مشخص‌اش در آن ورود می‌کند. لذا سپاه پاسداران اگر در تعیین جهت‌گیری غرب‌گرایی یا شرق‌گرایی یک نهاد غیرمرتبط محسوب می‌شود اما در بحث بحران سوریه یک نهاد کاملاً موثر است زیرا فروپاشی سوریه از جهت ژئوپلیتیکی منطقه را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. برژینسکی در این ارتباط معتقد است که، تغییر قدرت در سوریه ممکن است موجب متلاشی شدن منطقه گردد و این پدیده هیچ نفعی برای ایالات متحده ندارد. چرا که مداخله آمریکا در سوریه موضوعی بسیار بدو غیرضروری است. از این رو در صورت وقوع حمله آمریکا به سوریه، ایران حداقل به صورت غیرمستقیم وارد این نبرد خواهد شد. در عرصه سیاسی نیز تنش‌ها بین ایران و غرب فزونی خواهد یافت. در صورت وقوع حمله آمریکا به سوریه، عربستان به عنوان فعال‌ترین کشور عربی منطقه که روابط ایران با آن در حال حاضر تنش‌های زیادی را تجربه می‌کند، در کنار آمریکا خواهد بود (رصد ۱۴ شهریور ۱۳۹۲)

منافع استراتژیک ایران در قبال سوریه:

یکی از ویژگی‌های بارز رابطه بازیگران در صحنه سیاست بین‌الملل، نسبی بودن روابط است. این ویژگی ماهوی، پایه تنظیم اهداف و منافع هر کشور در تعیین رابطه دوستانه، خصمانه و یا بی‌طرفانه با سایر کشورها به شمار می‌رود. اهمیت سوریه در سیاست خارجی ایران عبارت است از:

- ۱- تنها هم پیمان منطقه ای ایران است.
- ۲- هم سویی سیاست های ضدآمریکایی و ضداسرائیلی.
- ۳- ژئوپلیتیک خاص سوریه در منطقه خاورمیانه.
- ۴- حمایت از مقاومت فلسطینی.
- ۵- اهمیت سوریه برای ایفای نقش در تحولات لبنان از جمله اینکه به عنوان حامی جریان مقاومت لبنان و عامل توازن قوا و مانع جنگ داخلی در این کشور است.

صحنه تحولات سوریه، زمینه مساعدی را برای برجستگی عینی اهداف و منافع ملی ایران در قبال تحولات بین‌المللی و منطقه خاورمیانه فراهم ساخته است در عین حال این سوال پیش می‌آید که چرا منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که از سوریه حمایت کند؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان از دو منظر به این قضیه نگاه کرد. ابتدا از این منظر که سوریه تنها کشور عربی بود که در اوج اتحاد عرب‌ها در پشت صدام، در جنگ هشت ساله، عراق علیه ایران، به حمایت ما برخاست و در اوج مظلومیت و محاصره اقتصادی ایران در جنگ تحمیلی این سوریه بود که بخشی از تسلیحات ما را به صورت غیرمستقیم تأمین می‌کرد، در این زمان سوریه قصد داشت ضمن حمایت از ایران، نظر بدبینانه کشورهای عرب منطقه خاورمیانه را از ایران ملایم‌تر سازد و خصومت‌ها را نیز کمتر نماید. علاوه بر آن رفتار سوریه باعث شد که عرب‌ها نتوانند جنگ راعربی - ایرانی کنند چرا که ما در درون اعراب یاری‌گیری کرده بودیم. این سیاست سوریه در طول هشت سال دفاع مقدس ثابت بود و فواید زیادی برای جنگ ما داشت. همچنین رقابت حزب بعث سوریه با حزب بعث عراق نیز دلیل دیگر به شمار می‌رود. رییس جمهور وقت سوریه حافظ اسد در سال ۱۹۸۲ و در طی جنگ ایران و عراق به حمایت از ایران پرداخت. به این صورت که یک خط لوله اصلی نفت عراق به مدیترانه با ظرفیت انتقال روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت را مسدود کرد تا باعث کاهش درآمد دولت صدام حسین شود. در پی این اقدام سوریه، عراق نیز در اقدامی تلافی‌جویانه کمک‌های مالی و نظامی خود را به مخالفان حضور نظامیان سوری در لبنان بیشتر کرد.

تام دانیلون، مشاور امنیت ملی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۱، صریحاً اعلام نمود که: «پایان رژیم اسد موجب بزرگ‌ترین عقب نشینی ایران در منطقه و برهم خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود». به این ترتیب، در حال حاضر همه فشارها برای شکستن این پل ارتباطی، یعنی سوریه اعمال می‌شود و آنچه در پس پرده در جریان است، در حقیقت به علت روابط نزدیک سوریه با ایران بوده و هدف از سرنگونی رژیم کنونی در آن کشور نیز با امید به منزوی ساختن ایران صورت می‌پذیرد.

از دیدگاه منافع ملی چنین برآورد می‌شود که حمایت از سوریه به دلایل زیر می‌تواند باشد:

- ۱- سوریه تنها کشور عربی است که در خط مقدم مبارزه با صهیونیست ایستاده است و پیمان صلح با صهیونیست‌ها را امضاء نکرده است. سوریه و اسرائیل از ۱۹۶۸ تاکنون در جنگ سرد به سر می‌برند و این رفتار سوریه یعنی بازی در پازل جمهوری اسلامی ایران.

۲- سوریه عقبه مقاومت است و فروپاشی نظام سوریه یعنی قطع رابطه ایران با عقبه مقاومت در لبنان و فلسطین و نتیجه آن یعنی پیروزی صهیونیست‌ها و آمریکا بر تنها کشور عربی که همچنان به مقاومت معتقد است.

۳- جریان مسلحی که در سوریه می‌جنگد سلفی است و مورد حمایت عربستان سعودی و آمریکا است. حاکمیت این جریان در سوریه یعنی ظهور یک طالبان و داعش دیگر در منطقه و فوران تنفر ضدشيعی که شامل حال عراق، ایران و علویان حاکم در سوریه خواهد شد علاوه بر این نظام جمهوری اسلامی معتقد به اصلاحات در سوریه است.

بنابراین برای ایران حمایت از حفظ نظام سوریه، استمرار مقاومت در حاشیه صهیونیست‌ها است. مسئله سوریه یک مسئله صرفاً داخلی نیست و چنین به نظر می‌رسد که منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که از سوریه دفاع نمایم.

از آنجا که جمهوری اسلامی معتقد است اعتراضات موجود در سوریه مبنای اجتماعی ندارند و به دلیل مداخله‌ی بیگانگان به وجود آمده‌اند، بر ماندن بشاراسد تأکید می‌کند. ماجرا این است که اگر در سوریه اوضاع با راه‌حل‌های نظامی ادامه پیدا کند و تشنج و ناامنی وجود داشته باشد، به نوعی هم به ضرر نظام حاکم بر سوریه و هم به ضرر ماست. ملت سوریه با انتخاب دوباره بشاراسد نشان دادند که با نظام کلان حکومتی کشورشان مخالفتی ندارند، و این مسئله منافع ایران را در منطقه تقویت می‌کند.

در مجموع با تحولات صورت گرفته در داخل سوریه و منطقه با قاطعیت می‌توان گفت که ورق به نفع دولت سوریه و همپیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی آن رقم خورده است و اگرچه تلاش‌هایی از سوی عربستان و نماینده ویژه این کشور در رهبری ائتلاف مخالفان سوریه برای برگرداندن ورق از طریق ارائه تسلیحات پیشرفته به مخالفان بخصوص ارتش آزاد ادامه دارد اما بعید است این تلاش‌ها به نتیجه برسد و آنها مجبورند دولت سوریه را بپذیرند و با آن کنار بیایند. جمهوری اسلامی در ماجرای سوریه معتقد است باید شرایط آرام شود تا تمام طرف‌های درگیر در سوریه، در فضایی سالم و دموکراتیک، بتوانند انتخاب کنند.

در اینجا هم سیاست ایران عمدتاً مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت نقش این کشورها در معادلات سیاسی امنیتی منطقه به خصوص در حوزه روابط با حزب‌الله و حماس و همچنین روند صلح اعراب - اسرائیل بوده که ایران در آن دارای نقش حساس و مهمی است. سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد. ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگرینسته که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر، با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و در چهارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر حتی می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشاراسد بیافزاید و در نهایت منجر به حفظ اتحاد سنتی ایران و سوریه شود. (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۶۷)

یافته‌های تحقیق:

از نظر زمانی اعتراضات سوریه برخلاف انقلاب مصر که در هجده روز به نتیجه دست یافت، بسیار طولانی شده است. شاید یکی از عوامل عدم پیروزی معترضان سوریه، سرعت کم وقایع آن باشد و این امر، دستگاه امنیتی را قادر

به مدیریت بحران می‌سازد و همین طور موجب ناامیدی جوانان معترض که قاعدتا دنبال نتایج سریع می‌باشند، می‌شود.

بی‌شک بخش عمده مردم معترض حال که به پشت سر می‌نگرند و این میزان ویرانی و خون‌ریزی را می‌بینند به دیده تردید به راه طی شده نگاه می‌کنند آنان اعتراضات بحقی داشتند و البته تصور می‌کردند که مطالباتشان از طریق اعتراضات مسالمت آمیز قابل تحقق است هیچگاه تصور آن نداشتند که اعتراضاتشان بهانه زورآزمایی قدرت‌هایی بزرگ جهانی در کشورشان خواهد شد آنان اصلاحات می‌خواستند و از ویرانی و جنگ خیابانی بیزار بودند. آن‌ها نمی‌خواستند که به سرنوشت لبنان و فلسطین گرفتار شوند. حال مردم سوریه به اتفاقات اخیر می‌نگرند و آنچه از دست داده‌اند با آنچه بدست آورده‌اند مقایسه می‌کنند آنان حالا به نیکی دریافته‌اند که گویا به گروگان منافع قدرت‌های بزرگ درآمده‌اند برای مدعیان خون‌های روان، گرسنگی کودکان، ویرانی شهرها و تخریب اموال و آوارگی مردم هیچکدام مهم نیست توده مردم به نیکی دریافته‌اند که تا پیش از این فارغ از تفاوت‌های ایدئولوژیک و برفراز اختلافات قومی دارای زندگی مسالمت آمیز بودند؛ ولی حالا به نام علوی و تسنن رو در روی هم ایستاده‌اند و با گلوله‌های رنگارنگ به جنگ هم برخاسته‌اند.

مردم سوریه اصلاحات می‌خواستند ولی تجزیه کشور خود را هرگز تصور نمی‌کردند ولی حال خود شاهدند که چطور زمینه‌های تجزیه طلبی در درون آن سرزمین مهیا می‌شود و صداهای جدایی طلبی بیم شکستن حریم سرزمین شان را نشان می‌دهد ملت سوریه حالا متوجه شده که دارد انتقام تحولات "خاورمیانه" و هزینه موازنه قوا در صحنه رقابت‌های بین‌المللی را می‌پردازد. پس به خود آمده و تلاش دارد خود را از این مهلکه نجات دهد. لذا هرروز که می‌گذرد راه‌شان را از جنگ آوران و ستیز جویان جدا می‌کنند و همین هم نقطه قوت دولتی‌ها شده‌اند. اکنون آرامش طلبی به مهمترین مطالبه قریب به اتفاق مردم سوریه تبدیل شده است و بخش مهمی از معترضین دیروز اکنون خود از دولت تقاضای شدت عمل جهت برگرداندن آرامش داشته و از سوی دیگر چشم به تحولات داخلی و دیپلماسی ایرانی دوخته‌اند.

اقدام جمهوری اسلامی امیدوارکننده ارزیابی شده است؛ چرا که اولاً تلاش‌های امروز ایران معطوف به خواست اکثریت مردم سوریه است. ثانیاً بخش‌هایی از گروه‌های معارض نسبت به راهکارهای قدرت‌هایی چون غرب و اتحادیه عرب و ترکیه ناامید شده‌اند و خود راضی به راه کارهای واقعی جهت بازگشت آرامش هستند. به احتمال زیاد و نزدیک به یقین، نیروهای خارجی موفق نمی‌شوند حکومت بشاراسد را ساقط کنند. دلایل مختلفی هم برای این احتمال وجود دارد. مهم‌ترین دلیل این است که عامه مردم سوریه فهمیده‌اند که یک توطئه بین‌المللی - منطقه‌ای برای ساقط کردن حکومت سوریه وجود دارد و به همین دلیل در انتخابات حضوری پررنگ داشته و رای به بقای حکومت اسد دادند. دوم اینکه در منطقه همه کشورها از یک روش مشترک استفاده نمی‌کنند. به عنوان مثال در لبنان، مقاومت با تحریکات علیه سوریه موافق نیست. در شمال لبنان، چهارده مارس‌ها که در مرکز شکست خورده بودند، برای سلاح و پول واسطه شدند، برای اینکه بتوانند از منطقه شمال لبنان به سوریه نفوذ کنند. مهمترین دستاورد سیاسی مقاومت اسلامی در لبنان، این بود که ملت در کنار دولت، و دولت در کنار مقاومت اسلامی، مقابل توطئه چهارده مارس‌ها ایستادند. این نشانه‌های پیروزی طرفداران دولت سوریه در عراق، لبنان و ایران است که همواره در

کنار مردم سوریه، در مقابله با این توطئه فراگیر جهانی - منطقه‌ای ایستاده اند. چون اگر آنها در سوریه موفق بشوند، به سوریه اکتفا نمی‌کنند. پس جمهوری اسلامی ایران، عراق، لبنان، کشورهای هستند که در مقابل این توطئه پیچیده بی‌سابقه ایستادند. امروز شاهدیم که با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و حضور پرشور مردم سوریه در این موج سیاسی، ناآرامی‌ها تا حد زیادی فروکش کرده است. انتخاب مجدد بشاراسد نشان داد که او هنوز از پایگاه اجتماعی قابل توجهی برخوردار است. (موسوی، ۱۳۸۹، ص ۲۶)

بنظر می‌رسد در آینده سوریه روی پاره‌ای از ویژگی‌های انحصاری خود از قبیل بلندی‌های جولان، جانبداری از مقاومت در لبنان و حمایت از جریان‌های مقاومت فلسطین سازش نخواهد کرد. دلیلش هم این است که مقولاتی از این دست ارتباط تنگاتنگی با امنیت ملی این کشور و سرنوشت آن دارد. (کیهان، ۱۸ خرداد ۱۳۹۳)

پیشنهادات

- * دولت سوریه به وعده‌های خود عمل کند و ایران نیز در جهت دهی به اصلاحات فعالیت نماید
- * جدا کردن خواسته‌های مردم از خواسته‌های سلفی‌ها
- * جلب حمایت علمای اهل سنت در جهت حفظ و پشتیبانی از دولت بشاراسد.
- * برگزاری اجلاسی در خصوص تحولات سوریه با حضور علما و اندیشمندان در سوریه ایجاد ارتباط با عناصر موثر اخوان المسلمین در سوریه و دیگر کشورها.
- * حمایت از اصلاحات بشاراسد و کمک‌های علمی، فکری و رسانه‌ای به نفع دولت سوریه.
- * تقویت جبهه مقاومت اسلامی.
- * تضعیف سلفی‌های سوریه با توزیع کتاب‌هایی در مورد وهابیت در میان مردم.

نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف یافتن پاسخ دو سوال تدوین شد:

الف) سرانجام بحران سوریه چه خواهد شد؟

ب) آیا خروج سوریه از بحران موجب تقویت سیاست خارجی ایران می‌شود یا منافع ملی و بین‌المللی ایران مورد تهدید قرار خواهد گرفت؟

بطور کلی بحران‌های جهان عرب باعث شده که نقش و پویایی مردم به نوعی مطرح شود بطوریکه تحولات منطقه این مسئله را تقویت کرد. در بحران سوریه کشورهای غربی و در راس آنها ایالات متحده، سعی کردند تا از طریق فشارها و حتی طرح مداخله نظامی، مسئله این کشور را که عمدتاً یک موضوع منطقه‌ای است به شیوه خود حل کنند. آنها تلاش می‌کنند که تدریجاً قدرت را بدست بگیرند. زیرا برای حفظ امنیت اسرائیل خواهان نابودی جریان مقاومت (شامل سوریه، ایران، حزب اله) هستند. آمریکایی‌ها می‌خواهند با شکست سوریه امنیت اسرائیل را حفظ کنند. ادامه وضعیت فعلی پیامدهای غیرقابل کنترل داشته و از جمله احتمال ایجاد افغانستان جدید و تبدیل این کشور به یک

منبع مشکلات امنیتی برای منطقه و جهان راتشدید می‌کند. از طرفی هرگونه تغییر مدیریت نشده در سوریه نمی‌تواند بازگشت آرامش به این کشور را تضمین کند.

به نظر می‌رسد دایره تغییرات و اصلاحات اساسی در سوریه، نوید گذار این کشور به مرحله‌ای تازه را می‌دهد که با توجه به مسائل موجود در این کشور، نمی‌توانیم از آن به عنوان انقلاب یاد کنیم اما به هر حال مردم سوریه خواستار اصلاح امور اقتصادی و سیاسی در کشورشان هستند.

در این بحران بدون تردید راه حل منطقه‌ای می‌تواند مناسب‌تر از مداخله نظامی ناتوبه عنوان یک راه حل بین‌المللی باشد. در این خصوص کشورهای ایران، ترکیه و عربستان می‌توانند با یکدیگر براساس منافع منطقه‌ای به نوعی همکاری و تفاهم برای حل این بحران برسند. بنابراین بهتر است که تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه به سمت تقویت راه‌حل‌های منطقه‌ای سوق داده شوند که در آن همزمان منافع تمامی طرف‌های درگیر اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حفظ شود.

ما با پدیده‌ای ازسرخ قیام مردمی در سوریه مواجه نیستیم و این سطح اصلاحاتی که بشاراسد در این مدت انجام داده در سایر کشورها صورت نگرفته اما به خاطر بحث مشکلات معیشتی و وجود فساد اداری و اقتصادی مشکلاتی را بوجود آورده است از نظر دولت ایران تنها راه حل مسائل سوریه از طریق رویکرد سیاسی ممکن است و ایران از هیچ تلاشی در این راستا و به خصوص در تعامل و همفکری با کشورهای موثر دریغ نمی‌ورزد. و بر این اساس حکومت سوریه باید نرم تر با مردم برخورد کند و اصلاحاتی هم در این زمینه انجام دهد.

تنها هم پیمان منطقه‌ای ایران در خاورمیانه سوریه است و برای آنکه خط مقدم مقاومت در مقابل اسرائیل حفظ شود و جنبش‌های مقاومت نیز تقویت گردد حمایت از حکومت سوریه از سوی ایران یک ضرورت استراتژیک محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد اتحاد موجود بین ایران و سوریه، که به دلیل شرایط خاص استراتژیکی است، با پیروزی بشاراسد در انتخابات اخیر قوی‌تر از گذشته ادامه داشته باشد. از این رو گام‌هایی آشتی جویانه ایران با غرب و اقدامات متقابل اعتمادساز برای برون رفت از فضای بن بست موجود می‌تواند در تسریع گزینه مذاکره در بحران سوریه نیز ثمر بخش باشد. پس ما باید سیاست واقع‌گرایانه مبتنی بر تأمین منافع استراتژیک خود را داشته و مواضع مان را براساس واقعیت‌های موجود جامعه سوریه تنظیم کنیم و ضمن آینده پژوهی با در نظر گرفتن اولویت‌ها که همان حمایت از خط مقاومت است، سیاست گذاری نماییم.

منابع:

- ۱- آجرلو، حسین، ۱۳۹۰، تحولات سوریه، ریشه‌ها و چشم اندازها، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۶.
- ۲- بلوری، جعفر، امین آبادی، سید محمد، ۱۳۹۰، بحران سوریه و موازنه قدرت در خاورمیانه، نشریه راهبرد.
- ۳- جومالی اونال، ۱۳۹۰، روزنامه زمان ترکیه، ترجمه مرجانی نژاد، احمد، مندرج در بولتن مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴- حافظ‌نیا، محمدرضا، کاوندی کاتب، ابوالفضل، ۱۳۸۹، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۲.

- ۵- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۹۱، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت.
- ۶- سیف زاده، حسین، ۱۳۸۷، اصول روابط بین‌الملل، چاپ سوم، نشر میزان تهران.
- ۷- شاملویی، حبیب اله، ۱۳۶۱، جغرافیای کامل جهان، تهران، انتشارات بنیاد.
- ۸- عزتی، عزت اله، ۱۳۷۳، ژئواستراتژی، انتشارات سمت.
- ۹- عزتی، عزت اله، ۱۳۷۸، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، انتشارات سمت.
- ۱۰- قادری، سیدعلی، ۱۳۷۰، مجموعه مقالات اولین سیمینار بررسی تحولات مفاهیم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۱- قوام، عبدالعلی، ۱۳۷۰، سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، نشر قومس.
- ۱۲- کیایی، مهرداد، ۱۳۹۱، نشریه رویدادها و تحلیل‌ها دی و بهمن - شماره ۲۶۹.
- ۱۳- کیوان پناه، علی، ۱۳۸۸، ریشه‌های فساد مالی و اداری کجاست؟ وبگاه آفتاب.
- ۱۴- محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۱۵- مرجانی نژاد، احمد، ۱۳۹۰، بیداری اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، فصل نامه روابط فرهنگی شماره ۱.
- ۱۶- محمدزاده، جواد، سی یکم اردیبهشت ۱۳۹۰، پایگاه اطلاع رسانی تابناک.
- ۱۷- معاونت فرهنگی سپاه پاسداران، ۱۳۸۷، راهکارهای آمریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- ۱۸- معجوب، محمود، یآوری، فرامرز، ۱۳۶۲ گیتاشناسی کشورها، تهران، موسسه گیتاشناسی.
- ۱۹- موسوی، حسین، ۱۳۸۹، بیم و امیدها در بحران سوریه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۶۳.
- ۲۰- نشست تخصصی بیداری اسلامی با تمرکز بر تحولات سوریه، ۱۳۹۰، فصلنامه روابط فرهنگی، آبان، شماره ۲.
- ۲۱- روزنامه کیهان، ۱۸ خرداد ۱۳۹۳، نتیجه انتخابات سوریه، جهان را غافلگیر کرد.
- ۲۲- سایت سیاست ما، ۱۳۹۲، محسنی ثانی، ۲۹ مرداد.
- ۲۳- سایت فرارو، دوم آبان ۱۳۹۱، دورنمای آینده سیاسی سوریه - رابطه ایران و آمریکا - تغییر موازنه قوا در خاورمیانه.

24- <http://www.farsnews.com>. 2009. p. 8

25- alam.ir/news/2664. p. 9

26- Moshe Maoz Top.ct. p. 6

27- Braden Kathleen and FM. shelley 2000. 28-engaging Geopolitics. pearson Education limited .

29-cohen. b. saul. Geoplitics in The New World Era 1982. p. 17